

شواهد و قرائن همه از حتمی بودن افول رژیم ایالات متحده آمریکا خبر می‌دهند

افول رژیم مافیایی

در جهان امروز دو روند آشکارا توجه ناظران بین‌الملل را به خود جلب می‌کند: نخست، افول شتابناک مدعی اصلی کدخدایی دهکده جهانی یعنی دولت آمریکا و دیگری سربر آوردن رقبات جدید غرب در نظام بین‌الملل. معنای هر دو روند آن است که دنیای امروز و فردا بسیار متفاوت از روزهای پساجنگ سرد و دوران طرح نظم نوین جهانی است. رژیم آمریکا با چالش‌های گوناگون داخلی و خارجی مواجه است که اجازه نمی‌دهد چون گذشته بکه‌تاز عرصه جهانی باشد. در این داده‌ها مصادیقی از افول این رژیم مافیایی برشماری شده است.



مروزی بر مسئله افول آمریکا براساس بیانات رهبرانقلاب

رهبرانقلاب در بیانات ۱۴۰۰/۱۲/۱۰، رژیم آمریکا را یک «رژیم مافیایی» خواندند که به دنبال بحران‌سازی در جهان است. ایشان آمریکا را رو به افول میدانند و در بیانات مختلف به شواهدی در این باره استدلال کردند که در این اطلاع‌نگاشت آمده است.



افول آمریکا در کلام اندیشمندان آمریکایی

«جان ایکنبری» نظریه پرداز روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا و استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه پرینستون آمریکا در سال ۲۰۱۴ در مقاله‌ای با عنوان «پنده نظم جهانی لیبرال» که در مجله فارین افرز منتشر شده است، به تغییر قدرت جهانی اشاره می‌کند. وی معتقد است: تغییر قدرت جهانی و افول قدرت آمریکا و تغییر نظام تک‌قطبی در جریان است. عصر آمریکا در حال پایان است و نظم جهانی شرقی جایگزین نظم جهانی غربی شده است. ما شاهد پیدایش قدرت‌های نوظهور هستیم، در حالی که قدرت آمریکا در حال فرسایش است. تغییر قدرت جهانی به این دلیل در جریان است که قدرت در حال انتقال از غرب به شرق است.

گیدون راشمن (Gideon Rachman) تحلیلگر سیاسی مجلات آمریکا بر این نظر است که آمریکا باید به فکر سقوط خود باشد. ایالات متحده آمریکا دیگر هرگز موقعیت تسلط جهانی بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی را تجربه نخواهد کرد. آمریکا از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۸ که دچار بحران اقتصادی شد، ۱۷ سال از موقعیت هژمونی جهانی برخوردار بود، اما با معضلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از بحران سال ۲۰۰۸، این موقعیت خود را از دست داده و دیگر هم این موقعیت را تجربه نخواهد کرد. آن روزها دیگر تمام شد. رشد اقتصادی و نظامی چین، تهدیدی بلندمدت برای هژمونی جهانی آمریکاست. در واقع، امروزه رقابت بین چین نوظهور و آمریکای ضعیف، حول ابعاد گوناگون است. در مقابل ضعف آمریکا، قدرت‌های



نوظهور از جمله چین، برزیل، ترکیه، هند و ایران هستند. هر کدام از این کشورها، اولویت‌های سیاست خارجی خود را دارند که توانایی آمریکا برای شکل‌دهی نظام جهانی را محدود می‌کنند. میشل کاکس (Michael Cox) استاد روابط بین‌الملل معتقد است: در اوایل قرن

۲۱، ما شاهد حقیقتی جدید به نام «تغییر قدرت» هستیم. در این فرایند، آمریکا و غرب در حال سقوط و نظم جدید بین‌المللی توسط اصطلاح بریکس (BRICS) در حال شکل‌گیری است.

«نوام جامسکی» اندیشمند آمریکایی، آمریکا را امپراطور در حال سقوط می‌داند. از نگاه وی، اگر چه اصول تسلط امپریالیستی آمریکا تغییر کرده، اما ظرفیت پیداسازی آن به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. آمریکا هم در داخل و هم در خارج در حال سقوط است.

«فرید زکریا» تحلیلگر روابط بین‌الملل معتقد است: جهان در حال انتقال از عصر آمریکایی به عصر پس‌امریکایی است. جهانی که در پیش داریم جهانی است که در آن ایالات متحده آمریکا نه رهبری اقتصادی و ژئوپلیتیک آن را بر عهده خواهد داشت و نه بر فرهنگ آن چیره خواهد بود بلکه قدرت آن سقوط خواهد کرد. به اعتقاد فرید زکریا، ما در حال «خیزش دیگران» هستیم که چشم‌انداز جدید جهانی را به وجود می‌آورد و در آن چشم‌انداز، قدرت و ثروت در حال جابه‌جایی است. قدرت در حال جابه‌جایی و فاصله گرفتن از سلطه آمریکایی است. ما در حال گام نهادن به جهان پس‌امریکایی هستیم که مردمان بسیاری در نقاط بسیار، جهت و ماهیت آن را تعیین می‌کنند.

بر اساس یافته‌های «دانشکده تجارت هاروارد» نظام سیاسی آمریکا شکست خورده و اقتصاد آن هم در حال سقوط است و دست‌وپا می‌زند. رشد و رفاه اقتصادی آمریکا

۲۰ سال پیش به پایان رسید. رؤیای آمریکایی در معرض خطر است. آمریکایی‌ها به رهبران سیاسی اعتماد ندارند و قطب‌بندی سیاسی به طرز چشمگیری افزایش یافته است. آمریکایی‌ها از نظام سیاسی خود ناامید هستند و اعتماد کمتری به دو حزب بزرگ دارند. این شرایط اقتصادی و سیاسی، بیانگر آن است که رؤیای آمریکایی در خطر است.

«آلفرد مک کوی» استاد و مورخ آمریکایی معتقد است: مرگ ایالات متحده آمریکا به عنوان ابر قدرت جهانی می‌تواند به مراتب سریع‌تر از آن باشد که هر کس تصور می‌کند. نورمن گریچ، استاد آمریکایی ریشه سقوط آمریکا و تشدید اختلاف و خشونت در آن را در «ثروت بدون کار، لذت بدون وجدان، دانش بدون شخصیت، تجارت بدون اخلاق، علم بدون انسانیت، عبادت بدون ایثار و سیاست بدون اصول» می‌داند و معتقد است: «سقوط آمریکا اتفاق افتاده و دلیل آن هم این است که آمریکا ویژگی‌هایی مانند فقر، جرم، بیسوادی و بیماری‌های موجود در جهان سوم را از خود به نمایش گذاشته است.»

استفان اس. کوهن معتقد است: «ایالات متحده آمریکا، قدرت و نفوذ خود را از دست خواهد داد. نفوذ آمریکا در جهان در حال اتمام است و بازگشت آن غیر قابل پیش‌بینی است. استانداردهای زندگی آمریکا در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، کاهش یافته است. ایالات متحده آمریکا، کشوری با ثروت، قدرت و نفوذ بود، اما همه اینها در حال تغییر و رؤیای لیبرالیسم رو به پایان است.»